

علی شاه صبار
کارته چهار، کابل، ۵ دلو ۱۳۸۹

ياهو!

جنبشی که تازه آغاز شده است

من امروز تازه از ورکشاپ زبانهای سوم ملی در نصاب تعلیمی وزارت معارف برگشتم. این ورکشاپ از طرف وزارت معارف افغانستان دعوت شده و شعبات مختلف زبانهای سوم ملی افغانستان در چوکات اداره نصاب تعلیمی وزارت معارف، از آمرین این شعبات، مؤلفین کتاب های درسی دوره متوسطه و معلمینی که قرار است در آینده ها این کتاب ها را در مکاتب تدریس نمایند دعوت نمودند که در این ورکشاپ شش روزه شرکت نمایند. قرار بود که روز اول ورکشاپ، طی محفل تشریفاتی آغاز بکار نماید که حتماً از مقامات وزارت معارف باید در آن شرکت میکردند که با تأسف وزارت معارف و ریاست نصاب تعلیمی در روز اول این آمادگی را نداشتند که ورکشاپ را رسماً در همین روز افتتاح نمایند، بناچار آمرین شعبات با مهمانان خویش کارهای برناموی خود را بشکل عادی پیش بردند.

در پروژه نصاب تعلیمی افغانستان مطابق قانون اساسی کشور صرف از زبان پامیری یاد شده است، نه از زبانهای پامیری، ولی با آنهم در چوکات این شعبه؛ دو تا از زبانهای محلی سرزمین بدخشان نمایندگی داشتند، یعنی زبان شغنایی و زبان واخانی. زبان شغنایی با چهار کارمند و زبان واخانی صرف با یک متخصص، امور تألیف کتب درسی را بدوش داشتند، که با تأسف پروژه قراردادی یک ساله بعد ختم موعده، با جهانی از مشکلات و سوالات حل نشده، بپایان رسید، و در شعبه به اصطلاح "پامیری" صرف یک "همکار تخنیکی" باقی ماند و متخصص زبان واخانی نیز با شعبه خداحافظی کرد و کرسیش همانگونه خالی است. اگر یکی دو کتابی هم که نوشته شده نمیدانم به چه سرنوشتی دچار خواهد شد. و اکنون امیدی برای فرزندان واخانی ما بجا نمانده است. کاش همان کتابهای تألیف شده "واخانی" لااقل بچاپ میرسید و به اصطلاح "یک بینی خمیری" میشد، بهر حال.

اینجا منظور بنده از گزارشی در مورد تدویر ورکشاپ شعبه پامیری آنهم بطور خاص شعبه شغنایی است که در آن به تعداد بالاتر از ده تن معلم ارجمند شغنان شرکت کردند که تازه از محل آمده بودند و در عین زمان از مؤلفین کتابهای درسی شغنایی دوره متوسطه نیز خواسته شده بود تا حضور بهم رسانند؛ کتاب صنف هفتم را همانگونه ای که قبلاً بعرض رسانیده بودم، بنده تألیف کرده، کتاب صنف هشتم را محترم خرم بیک سلیمی لیسانسۀ فاکولتۀ ادبیات دانشگاه کابل از شعبه تاریخ که فعلاً مدیر "بیت العلم 1" شهر کابل میباشد، تألیف نموده است، و کتاب صنف نهم را محترم خوش نظر بیکزاد، لیسانسۀ فاکولتۀ ژورنالیزم دانشگاه کابل و عضو دفتر مطبوعاتی اداره عالی نظارت بر فساد اداری تألیف نموده است. نا گفته نباید گذاشت که این دو مؤلف عزیز القدر اخیر الذکر، از دوستان و میزبانان حضرت پیر شاه ناصر خسرو هستند.

در میان مهمانانی که از شغنان آمده اند؛ از جمله آقایان خوشپایقدم میهندوست، شاه حیدر اکبری، قاضی اثر، سلیمان شاه قیام و چند تن دیگر از معلمین جوانتر شامل این گروه هستند. البته دقیقاً ورکشاپ را جناب خوش نظر پامیرزاد رهبری میکرد و آقای حفیظ الله میهندوست نیز بحیث معاون در ورکشاپ توظیف بودند.

در روز اول و دوم ورکشاپ، بالترتیب کتاب صنف هفتم معرفی گردید و در عین زمان بحث های خاص دیگری را نیز شعبه شغنانی براه انداخته بود که حاضرین ورکشاپ صمیمانه در این بحث ها سهم گرفتند. این مباحث شامل موضوعات دستوری (گرامری)، توضیح فعالیتهایی که در لای کتابها مطابق شیوه جدید تدریس در نظر گرفته شده بود، بحث ها در باره املای زبان شغنانی و سایر موضوعات مورد توجه در زبان بود. امید وار هستم اگر بعد ختم ورکشاپ بتوانم گزارش مفصلتری را در این مورد تهیه و بخدمت دوستانی که دور تر از ما قرار دارند و در پشت کره زمین واقع هستند، بفرستم، کمال افتخار برای بنده خواهد بود.

ما در روز اول و دوم ورکشاپ، بطور ضمنی برین تأکید ورزیدیم که از شغنان ما، تا اکنون هیچ کسی تحصیلات اکادمیک را در زبان شغنانی نداشته است و اصلاً چنین زمینه ای هم موجود نبوده، حتی این زبان، الفبای مورد پذیرش همگانی را هم نداشته است، بناً فرد متخصص در این زبان از کجا پیدا خواهد شد؟ اگر یکی دو حرفی را دوستان و برادران ما در باره زبان شغنانی زده اند و نوشته اند، یا زده ایم و نوشته ایم، آن فقط تراوش ذهن شخصی و ذوق و سلیقه شخصی ما بوده و نه آفریده و یا دستاورد تحصیلات علمی و اکادمیک ما. بناً ضرورت به آن دارد؛ همانگونه ای که جناب دکتر پیکار اشاره نموده اند، باید این تراوش های ذهنی با دیگر ذوقمندان زبان مادر و صاحبان سلیقه پژوهشی، در میان گذاشته شود تا به یک فیصله دسته جمعی که مورد قبول همگان باشد، برسیم.

این نیز بحث شد که ما نباید زبان دری را فدای زبان شغنانی بسازیم، و یا وقتی شغنانی را یافتیم از دری فراموش کنیم، چه، بدون زبان دری نمیشود زندگی کرد، زبان دری، خاصاً برای شغنانی ها آب حیات است، اگر خواسته باشیم شخصیت شویم، اگر خواسته باشیم دانشمند شویم باید دری را داشته باشیم. شغنانی خوبست، ولی دری خوبتر از آنست، نه از لحاظ اهمیت زبانی، بل از لحاظ اهمیت اجتماعی و اقتصادی. مثلاً ما شغنانی ها،

تحصیل کرده هایی داریم که در مضامین تخصصی بهترین ها هستند، ولی چون در زبان دری مشکلاتی دارند، نمیتوانند داشته های مسلکی خود را ارائه نمایند. یا شاگردان لایق شغنی در دانشگاه های کشور جرأت نمیکند که در پیشروی هم صنفان خود برخیزند و کمی درباره موضوع مطرح شده صحبت نمایند، میترسند که مبادا کلمه ای را غلط ادا کنند و یا لهجه خوبی را بکار نگیرند که مورد تمسخر دیگران واقع شوند. بناً، تأکید بنده براینست تا هرچه خوبتر فارسی را باید یاد گرفت آنهم با لهجه معیاری، در غیر آن بسیار چیزها را از دست خواهیم داد.

برای فعلاً شغنانی زبانی نیست که احتیاجات ما را و نیازمندی های حتی روزمره ما را مرفوع بسازد، چه رسد به ضروریات علمی و اکادمیک، حتی دانشمندان و اهل خبره زبان

پشتو اگر زبان فارسی را نمیداشتند، پس اکنون چه میکردند، جالب است بعضی از این دوستان ما، با تأسف توسط زبان دری بر ضد زبان دری مبارزه میکنند، و با مقالاتی به زبان دری، ضعف‌ها و نواقص زبان دری را بی انصافانه زیر انگشت انتقاد قرار میدهند. در این اواخر قلم بدستان زبان ازبکی نیز میخوانند زبان دری را مسخره کنند و دری را به درختی مثال میزنند که ریشه‌هایش پوسیده و شاخ‌هایش خشکیده است و عنقریب از میان خواهد رفت. آیا بی انصافی بالاتر از این میتواند باشد؟ زبانی که شخصیتش ساخت، علمیتش بخشود، صیقل معنویتش زد، اکنون در مقابلش نمک حرامی میکند.

در این دو روز عجالتاً به این نیز اشاره صورت گرفت که زبان شغنانی زبان شخصی و مال خالص علی شاه، خوش نظر خان، خیر محمد خان، خرم بیک خان، خوش نظر خان و سایر دوستانی که در بیرون از مرز کشور قرار دارند، نیست. زبان مال ملت شغنان است و هیچ یک ما حق نداریم آنرا گروگان بگیریم، ما باید زبان را بیالاییم، نه این که خود را در لای زبان صیقل زنیم. این نیز بحث شد که زبان شغنی از ظرفیت و غنای و قواعد خوب زبانی و دستوری برخوردار است، بنأ این وجیبه فرزندان زبان مادری است که آنرا به نسل‌های بعدی بصورت فنی و مسلکی تحویل دهند. اگر امروز اساس قوی و دور از ذهنی‌گری گذاشته شود، فردا دعای خیر آیندگان نصیب این نسل خواهد شد. ولی اگر امروز معامله ما در حد "الف و ب" باشد، فردا امید ادبیات قوی، دور از تصور خواهد بود.

آنچه که آقای پیکار با محبت تمام طی نوشته اخیر خویش به جناب حیدری پیشنهاد فرموده اند تا ورکشاپ و سیع بین المللی در زمینه، براه انداخته شود، طرح خیلی جانانه ایست و همان آرزوی بزرگیست که همواره به دل پرورده ایم، ولی من چه میدانم که اکادمی علوم افغانستان این امکان مالی را خواهد داشت؟ و یا حد اقل اکادمی علوم این علاقمندی را میتواند داشته باشد، تا به پاسخ آقای حیدری لبیک بگوید؟ بهر حال امید واریم، از جناب حیدری در این زمینه حرف‌هایی را بشنویم. و اما عین پیشنهاد را، بنده در لباس دیگری می‌گنجانم، تا اگر اکادمی علوم از خود نشورید، ما خود بشوریم: من قبلاً نیز به برادران؛ "دوست" و "پیکار" تلویحاً اذعان کرده بودم که اگر ممکن باشد، دو مجموعه‌ای از انسانهای ما در کابل و کانادا نشست‌هایی را برگزار نمایند و مشکل زبان خود را خوب حل‌جی و بعد باهم تعاطی نمایند، و این مرادۀ ما، تا زمانه‌ها باقی بماند.

از "مجموعه شغنان" بخاطری لب نگشودم که در آنجا این کار با شوق تمام انجام خواهد پذیرفت و چشم امید ما به شغنان دوخته خواهد بود. ماهای مسافر، ممکن عقده‌گشائی کنیم، ولی حرف آخرین را شغنانی‌ها خواهند زد، بتصور اینکه آنان زبان سچه را با خود دارند توأم با عشق و ضرورت. نبوغ زبانی را باید در شغنان جست و زبان را در آنجا باید صیقل داد، و ما که فقط ممد آنانیم و در نقش حساب‌گر (کمپیوتر) در اختیارشان قرار خواهیم گرفت.

بحث شرکت متخصصین زبانشناس، همانگونه‌ای پیکار صاحب اشاره کرده اند، باز هم خیلی بجاست، ولی سوالی مطرح میشود که زبان فارسی و پشتو از کجا و با چه آغاز کردند؟ متأسفانه که در آن زمانه‌ها، دقیقاً متخصصی وجود نداشت، و این صاحب نظران

بودند که همه کارها را کردند، تا بعد ها قافیه و عروض و دستور پیدا شد. برای فعلاً من صاحب نظری را سراغ ندارم که در زبان شغنائی تخصص داشته باشد، در زبان های زنده، در این شکی نیست که فلان و بهمان فلالوژست وجود خواهد داشت، ولی در زبان شغنی بهتر از "من و تو" کیست که به آن اتکا ورزیم.

علی شاه صبار

کارتۀ چهار، کابل، 25 جنوری 2011م

آه خدایا!

این دینا چقدر به تیزی پهلو می‌گردد، من هنوز نتوانسته ام از حرفهای پیکار صاحب در بارۀ پیشنهادهای اخیرش از خود بجنبم که نظریات نیک نیرو صاحب صفحه را مزین ساخت. من به دکتر نصرالدین شاه پیکار و قاضی صاحب قوت نیرو احترامانه بعرض میرسانم که در مورد نوشته های شما، تأثیر پذیری خود را باز گو خواهم نمود. ولی آنگونه ای که شما امکانات سرعت کار را دارید، ما در اینجا نخواهیم داشت، حتماً آرام آرام از جایمان تکان خواهیم خورد، ولی دوستان دیگر چه؟

علی شاه صبار

30 جنوری 2011م